



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: معماری داخلی.ترم: دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: تاریخ معماری نام و نام خانوادگی مدرس: شیما نادری
 آدرس email مدرس: shima.naderii@gmail.com تلفن همراه مدرس:

جزوه درس: مبانی معماری مربوط به هفته : نهم ■
 text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □
 power point: دارد ■
 ندارد □
 تلفن همراه مدیر گروه :

جلسه نهم

فصل دوازدهم کتاب معماری جهان ابراهیم زارعی: معماری بیزانس

چکیده مطالب :

هنر بیزانس

بیزانس نام شهری بود که یونانیان در قرن هفتم ق م در کنار بوسفور برپا کردند. در ۱۹۶ ب م رومیان آن شهر را گرفتند، و در ۳۳۰ میلادی به امر امپراتور قسطنطین اول [امپراتور روم] شهر جدید بزرگتری در آن مکان به وجود آمد که قسطنطنیه نام یافت. در سال ۳۹۵ میلادی که امپراتوری بزرگ روم به دو کشور روم شرقی و روم غربی تجزیه شد، فرمانروایی روم شرقی [شامل شبه جزیره بالکان و آسیای صغیر - ترکیه امروزی] به دست امپراتور آرکادیس افتاد که شهر بیزانس را با همان نام قدیمیش پایتخت خود قرار داد. وی که منکر اولویت آسقف رم [پاپ] بود دین رسمی امپراتوریش را با عنوان کلیسای ارتودوکس (۱) از کلیسای رومی جدا ساخت، و از آن پس روم شرقی با نام امپراتوری بیزانس صاحب تاریخ و تمدن و هنری خاص شد، و از قرن پنجم تا پانزدهم میلادی به حیات خود ادامه داد، و توانست با نیرویی شگرف تهاجمات مکرر اقوام وحشی شمالی به نام گوت ها و هون ها، و نیز تجاوزات دیگر بیگانگان، از فرانسویها و ایتالیاییها گرفته تا بلغارها و ایرانیان و اعراب و ترکان، را دفع کند، و آمیزه ای از هنر یونانی و رومی و خاوری را با عنوان **هنر بیزانسی** به مدت هزار سال بر جا بدارد. سرانجام در سال ۱۴۵۳ میلادی سلطان محمد فاتح امپراتوری بیزانس را برانداخت و شهر قسطنطنیه را با تبدیل نامش به استانبول پایتخت خود قرار داد؛ و این تاریخ آغاز دوره «رنسانس» محسوب شده است.

سبک بیزانس

دیوکلسین قلمرو وسیع امپراطوری روم را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرد که این امر شروعی نادانسته بود، برای فروپاشی امپراطوری قدرتمند روم به دو کشور روم شرقی و غربی. پس از آن کنستانتین، شهر **باستانی بیزانس** را دوباره ساخت و **کنستانتینوپل** نام نهاد. این شهر توسط امپراطور، **مرکز امپراطوری روم شرقی** شد. این شهر در محل اتصال تنگه بوسفور و دریای مرمر قرار دارد. محلی که اروپا و آسیا تنها به وسیله یک راه آبی باریک از هم جدا می شوند.

هنر بیزانس تمام بخش های امپراطوری روم شرقی را فراگرفت و به وسیله تجار به یونان، صربستان، روسیه، آسیای صغیر، آفریقای

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



شمالی و دورتر در ونیز، راونو و پیوژو نیز انتقال یافت و بر معماری این مناطق نیز تأثیر به‌سزایی برجای گذاشت.

برای جداسازی هنر صدر مسیحیت از هنر بیزانسی، حد و مرز مشخصی موجود نیست، چرا که خصوصیات و ممیزات آن دو را تا فرارسیدن قرن ششم پس از میلاد مسیح به اشکال می‌توان از یکدیگر مجزا ساخت. گرچه رفته رفته با انحطاط موقعیت روم غربی، پیشوایی هنری بیشتر بر عهده روم شرقی می‌افتاد. در دوران فرمانروایی ژوستی نین این تقدیم شرق به حد کمال رسید و قسطنطنیه نه تنها سلطه سیاسی خود را بر دولت روم تثبیت کرد، بلکه همچنین مقام مسلم پایتخت هنری را به خود منحصر ساخت. ژوستی نین نیز در هنرپروری همتای کنستانتین بود و آثاری را که وی در سایه حمایت و تشویق گرفت، همه شکوهی شاهانه دارد تا جایی که فرمانروایی او به نخستین عصر طلایی هنر امپراطوری شرق خوانده شده است.

مهم‌ترین کلیسای آن زمان یعنی سن ویتالیه که در سال‌های میان ۵۲۶-۵۴۷ پس از میلاد ساخته شد، معرف نوعی معماری است که به‌طرز عمده از قسطنطنیه اقتباس گردیده بود. این بنا ادامه‌ی معماری بنای آرامگاه سانتا کوستانتینا (معماری صدر مسیحیت) در شهر رم است. این کلیسای صدر مسیحیت شامل دو هشت ضلعی داخلی آن، از گنبد ضعیف سفالینی که سقف آن چوبی است، محافظت می‌کند.

سانتا کوستانتینا

بیرون از حصار شهر رم، در خیابان نومنتانا، مجموعه بناهای بسیار جالبی از دوران صدر مسیحیت برجاست. بنای اصلی این مجموعه امروزه باسیلیکای سانت آنیزه فوئوری له موراست که در سال‌های ۶۲۵ تا ۶۳۸م تبر قبر شهید عذرا ساخته اند - کلیسایی که با آن، تاریخ معماری صدر مسیحیت در رم به پایان می‌رسد... پیش تر قبر در دخمه ای جدا در کنار باسیلیکایی ترحیمی

سانتا کوستانتینا از همه بناهایی که از عهد قسطنطین در رم باقی است سالم تر مانده است. باسیلیکاهای بزرگ یا ویران و یا بازسازی شده است، اما مقبره قسطنطنیه به جز تزیینات داخلی اش کاملاً سالم مانده است. این بنا گواهی است بر کیفیت خوب طرح ریزی و اجرا که در رم صدر مسیحیت کماکان میسر بوده است. این بنا شاهکار یگانه معماری نیز هست. حجم بیرونی این بنا مدور از کاربرد ساده اصول معماری دوره باستان متأخر حکایت می‌کند

سانتا سابینا

سالم ترین باسیلیکایی که از صدر مسیحیت مانده باسیلیکای واقع بر تپه آونتینه است. این بنا سانتا سابیناست که در فاصله سال‌های ۴۳۲ و ۴۳۲م ساخته شده و دارای وضوح و خلوص آثار قوام یافته است. دیگر آزمون دوره قسطنطین به پایان رسیده و باسیلیکا به صورت کلاسیک خود بازگشته است. پلان بسیار ساده است: تالاری که در هر جانب آن یک راهه و یک محراب عمیق و فراخ قرار دارد. تالار نسبتاً مرتفع است و تناسب کشیده اش به فضای داخلی روشنایی و شکوهی تازه می‌بخشد. این شکوه شاخصه ردیف ستونهای قرن‌تی مجلل و شیاردار نیز هست.

ایاصوفیه

در طی شورش نیکه در سال ۵۳۲م باسیلیکای کهن حکمت قدسی در قسطنطنیه که به عهد قسطنطین تعلق داشت در آتش سوخت. یوستینیانوس بلافاصله تصمیم گرفت بر جای آن، کلیسای تازه و بسیار شکوه تری بسازد. شاید آن وقت در خیال خود

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



نوعی تازه از معماری مقدس می پرورد، از همان نوع در حوالی سال ۵۲۵م در سرگیوس و باکوس پدید آورده بود. این شیوه را حتی به راونا هم صادر کرده بود و اندکی بعد کار ساختن سانتا ویتالیه مرتبط با این خال تازه آغاز شد.

سان مارکو

یکی دیگر از کلیساهای برجسته دوره بیزانس کلیسای سان مارکو است که نخستین کلیسای جناب مرقس در ونیز را به سال ۸۳۰م برای نگه داری بقایای جسد این کاتب انجیل ساختند. طرح انتظام فضایی آن کلیسا را از کلیسای حواریون مقدس یوستینیانوس واقع در قسطنطنیه برگرفتند...

در پدید آمدن هنر بیزانسی و شکل گیری آن سه عنصر عمده نقش داشته است:

— ضرورت اداری

— تأثیرات هلنیستی

— فرآیند تأثیرگذاری های معاصر از معماری پادشاهی ساسانی در ایران

بناهای دوره بیزانس به علت وجود ملت های مختلف که تابع امپراتوری روم شرقی بودند و طولانی بودن دوران حاکمیت بیزانس، از تنوع و تعدد فراوانی برخوردارند و بناها به نسبت امکانات محلی دارای مصالحی متفاوت می باشند. به عنوان مثال در شمال غربی ایتالیا از آجر در شهرهای ساحلی روی زمین های صخره ای، در سوریه و فلسطین و ترکیه از سنگ بیشتر استفاده شد.

ویژگی های هنر بیزانس:

— اصالتا هنری غیرمعنوی، غیر جسمانی و غیر واقع نما

— بازنگری شباهت دوری کرده و به نقش پردازی تمایل داشت.

— در آرزوی دستیابی به انسان برتر، حقیقت مطلق و ذات ربانی بود.

— اشکال مشهود و صورت های جسمانی را در هم شکسته و یا تغییر می داد.

— ایجاد مفاهیم رمزی و دینی

— جنبه طبیعت گرایی، نوآوری و فردیت پرستی نداشت.

— تمکید به ضوابط سخت و رمزگرا

بناهای مذهبی به دو شکل عمده ساخته می شدند

باسیلیکا که سازه های طولی بود و کلیسا که سازه های بود متمرکز باسیلیکا سه جناح داشت که برای گردهمایی و برپایی قداس بنا می شد، آن دیگری مدور، چهارگوش و گاه هشت گوش بود و بیش تر برای آیین کفن و دفن مؤمنان مسیحی و ختم و یادبود آنان به کار می آمد.

هم **باسیلیکا** و هم **کلیسا** در عرصه های وسیع ساخته می شدند. از ترکیب باسیلیکا و کلیسای مدور بود که **کلیسای شاخص**

دوران بیزانس که سرنمون معماری این دوران به شمار می آید پا به عرصه وجود گذاشت. البته این روند تغییر و تبدل را نمی توان به این آسانی ها دنبال کرد، چه حجم عمده ای از آثار این دوره نابود شده یا کاربردهای دیگر پیدا کرده اند. مثلاً نخستین کلیسای استانبول که **کلیسای حضرت یحیی** نام داشت و اکنون به مسجد اهل سنت بدل شده است، نشان می دهد که از

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



روزگار بنای آن یعنی حدود سال ۴۶۰ میلادی معماری بسیار پیشرفته‌تری داشته است. این کلیسای بیزانسی در واقع یک باسیلیکاست که یک محراب شرقی و سه جناح دارد اما پلان آن را که نگاه کنید بیش‌تر به یک **سازه‌ی متمرکز** شبیه است زیرا تقریباً مربع کامل است و با **باسیلیکاهای بلند** معمول و مرسوم رومی تفاوت دارد. تغییر مشابهی را می‌توان در **مجسمه‌های تزیین‌کننده‌ی نمای این کلیسا** مشاهده کرد زیرا که برجستگی کمی دارند و در آنها مجسمه به اندازه‌ی **دوران کلاسیک رومی** به کار نرفته و موتیف‌های معماری به شکل صوری در آن به کار رفته‌اند و بازنمایی عناصر طبیعی هم در آن‌ها کمتر دیده می‌شود. این یکی از حالت‌های جنینی **کلیسای بیزانس** است و تا پایان قرن پنجم باقی ماند. کلیسا را شاهزاده خانم یولیانای آنیکیا، نوه‌ی امپراتور والننتینوس سوم ساخت. این تغییرات پیش‌تر رفتند و ۳۰ سال بعد امپراتور یوستینیانوس چند **کلیسای بزرگ ساخت**:

-کلیسای سرکیس مقدس

-**کلیسای ایرانیه ی قدیس**: یک باسیلیکای مسقف با دو گنبد در دو سطح مختلف کلیسای حواریون که پلان آن صلیبی شکل است و در تقاطع این صلیب فرضی گنبدی دارد و گنبدهای دیگری روی چهار بازوی صلیب
-از همه مشهورتر **کلیسای ایاصوفیه** که امروز **مسجد** است و ایده‌ی باسیلیکای طولی و سازه‌ی متمرکز در آن به کامل‌ترین صورت ترکیب و ادغام شده است.



در **کلیسای سرکیس مقدس** که قاعده‌ی مثنی دارد مشکلی از بابت تبدیل پلان گوشه دار به دایره جهت قرارگیری گنبد آن وجود ندارد. یک رف یا طاقی در هر گوشه‌ی یک مربع کافی است آن را به مثنی تبدیل کند و گنبد با کم‌ترین مشکلی روی آن قرار خواهد گرفت. راه دوم استفاده از یک **عنصر معماری** است موسوم به پاندانس که در گوشه‌ی مربع قرار می‌گیرد و اضلاع متعامد مثلث آن منطبق بر قوس‌های طاقی می‌شوند و وزن گنبد و قاعده‌ی کروی دهانه‌ی گنبد را هم تحمل می‌کنند.

پیروز و سلامت باشید.